

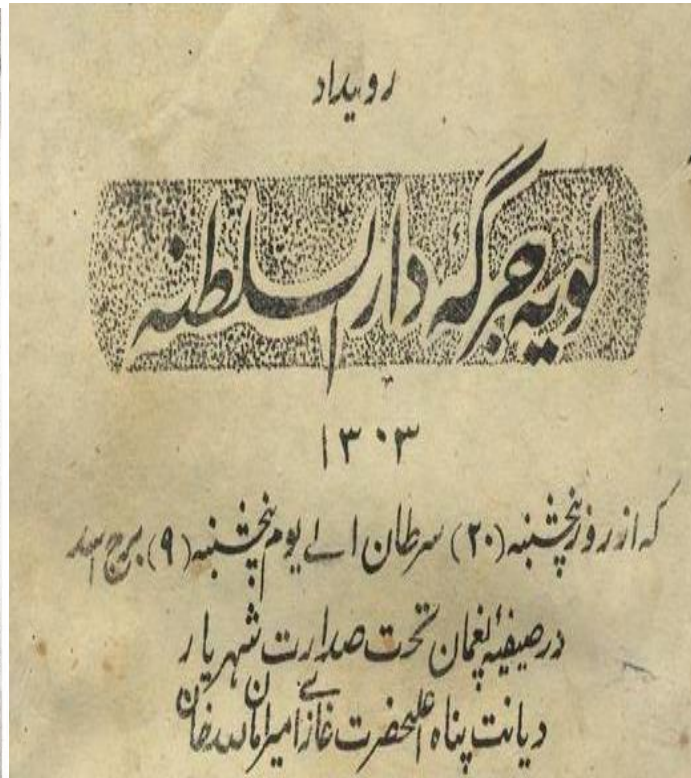


داکتر سید عبدالله کاظم

10 اگست 2016

"رویداد لویه جرگه دارالسلطنه ۱۳۰۳"

(به تقریب نود و هفتمین سالگرد استرداد استقلال افغانستان)
(قسمت اول)



داکتر سید عبدالله کاظم

مقدمه و عرض مرام:

نگاه اجمالی بر تاریخچه لویه جرگه ها و معرفی مختصر کتاب

"رویداد لویه جرگه دارالسلطنه 1303" عنوان کتابی است که به حیث یک سند تاریخی یکی از مهمترین رویداد های عصر امانی یعنی جریان تدویر، مباحثات و نتایج حاصله لویه جرگه سال 1303 را به قید

د پانو شمیره: له 1 تر 10

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

قلم آورده است. این لویه جرگه بروز پنجشنبه مورخ 20 سرطان 1303 ش (11 جولای 1924م) در پغمان با حضور 1054 نفر و زیر نظر اعلیحضرت امان الله خان غازی دائر گردید و تا روز پنجشنبه 9 اسد (31 جولای) جمعاً مدت 20 روز دوام کرد. در این کتاب جریان مکمل مباحثات به وسیله کاتبان تحت مراقبت مولوی برهان الدین خان کشکی به اصطلاح معمول آنوقت "قلمبند" گردیده و بعد از مقایسه یادداشت‌های کاتبان و تصدیق صحت آن به تعداد یک هزار نسخه در مطبعه سنگی وزارت حربیه در کابل چاپ شده است.

این سند تاریخی بعد از سقوط رژیم امانی چه در دوره سقوی و چه بعد از آن احتمالاً بطور عمدی جمع آوری و تدریجاً از بین برده شد و بسیار کمیاب و حتی نایاب گردید به جز چند نسخه معدود آن که در دست بعضی ها باقی مانده بود و در کتابفروشی های قدیم شهر حتی بعضی ها آنرا نمی شناختند. سالها قبل که هنوز جوان بودم، نام این کتاب را از بزرگان خانواده شنیده و سخت علاقمند مطالعه آن بودم، پس از تلاش زیاد موفق شدم از یکی دوستان پدر مرحومم آنرا بدست آورده و برای چند روز امانت گرفته و بعضی قسمت های مهم آنرا مطالعه نمایم. سالها بعد در مهاجرت روزی حین صحبت با دوستان از آن نام بردم و اینکه شاید این کتاب مهم اکنون در جریان حوادث کاملاً از بین رفته باشد، ابراز تأسف کردم. در همین جمع دوست عزیز و دانشمند جناب داکتر عبدالرحمن زمانی که خود یک محقق ورزیده و پر تلاش در مسائل تاریخ معاصر کشور میباشد، این مژده را برایم داد که یک کاپی آنلاین آنرا از آرشیف هند برتانوی بدست آورده و نزد خود دارد. فردای آن روز متن مکمل آنرا در ایمیل باکس کمپیوترم ارسال داشت و من هم این فایل را حفظ کرده و از آن یک نسخه چاپی نیز برداشتم. اکنون بیش از 15 سال است که این کتاب را خوانده و در مقالات خود از آن با ذکر مأخذ استفاده کرده ام که از این همکاری صمیمانه و بی شائبه ای جناب داکتر صاحب عبدالرحمن زمانی سپاسگذارم.

در طول این مدت بارها به این فکر بودم که فرصت یابم و این سند تاریخی را مطابق به نسخه اصلی باز نشر کنم که متأسفانه این فرصت میسر نگردید. از چندی قبل بدینسو وقتی علاقمندی نوشته های دوست عزیز و گرامی خود محترم محمد ایاز نوری (آزادی) را در ارتباط با موضوعات عصر مترقی امانی در پورتال وزین افغان جرمن آنلاین مطالعه میکردم، جرأت کرده و موضوع باز نشر این اثر مهم تاریخی را با ایشان در میان گذاشتم که اگر در اینکار باهم سهیم شده و امور تایپ آنرا بعهده گیرند. وقتی یک کاپی آنلاین این کتاب را برایشان فرستادم، سخت به آن علاقه گرفته و وعده همکاری را در قسمت تایپ آن دادند که از همکاری و لطف شان کمال امتنان دارم. چون کتاب جمعاً در 452 صفحه است، لذا محترم نوری صاحب آزادی همکاری یکی از دوستان و اقارب نزدیک خود محترم جناب آقای نازک میر زهیر (مقیم استرالیا) را نیز در این پروژه جلب کردند که خوشبختانه جریان تایپ آن بوسیله دو دوست عزیز ادامه دارد. ما هر سه تصمیم گرفتیم به خواست خدای بزرگ (ج) این کتاب را در قدم اول به سلسله در پورتال وزین افغان جرمن آنلاین به نشر سپرده و در قدم بعدی آنرا به حیث یک کتاب مستقل به چاپ برسانیم.

اما قبل از آن میخواهم به حیث یک مقدمه، نگاهی مختصر به تاریخچه لویه جرگه ها در کشور بیندازم و نیز راجع به محتوای کتاب کمی معلومات دهم. اینکه خصوصیات بارز این لویه جرگه در چه بود و چگونه نظریات پادشاه با نظر محافظه کارانه بعضی از اعضای فعال لویه جرگه در برخورد قرار گرفت و نقش اعلیحضرت در تدویر، معرفی و نحوه مباحثات چگونه بود، توضیحاتی بعرض برسانم تا در پرتو آن خواننده عزیز از محتوای کتاب قبل از مطالعه کامل متن قدری آگاهی یابد.

مختصری درباره تاریخچه لویه جرگه ها در افغانستان:

جرگه ها ی محلی در افغانستان قدامت تاریخی بسیار طولانی دارند، اما لویه جرگه (جرگه بزرگ یا جرگه کبیر) که مقصد آن اجتماع مردم برای تصمیم گیری در امور مهم بوده است، در طول تاریخ معمولاً به دو طریق برگزار شده اند:

یک - تدویر لویه جرگه ها به هدف پر کردن خلای قدرت:

در مواقعی که نظام دولت از هم پاشیده و کشور بدون سرپرست و یا بزرگ (قاید) ملی بوده و خطر تجاوز دشمن و دفاع از ناموس وطن را در قبال داشته است، این نوع لویه جرگه ها، ولو با تعداد کم، اما در موضوع بزرگ و سرنوشت ساز کشور اتخاذ تصمیم نموده و به نحوی یکی را از میان دیگران برگزیده و او را به زعامت انتخاب کرده است. نمونه های آنرا میتوان در حالات ذیل به گونه مثال ذکر کرد:

- 1 - جرگه بزرگ غزنی برای برگزیدن ناصرالدین سبکتگین به پادشاهی در سال 366 ق (977م).
- 2 - انتخاب میرویس خان هوتکی به حیث زعیم مبارزات ملی بوسیله لویه جرگه قندهار در سال 1088 ق (1709م) در محل "مانجه" آن ولایت.
- 3 - جرگه بزرگ منعقد در ساحه "مزار شیرسرخ" قندهار در سال 1126 ق (1774م) که منتج به برگزیدن احمد شاه درانی به حیث رئیس دولت افغانستان گردید.
- 4 - جرگه منعقد قصر "سلام خانه" ارگ کابل حین ورود سپه سالار محمد نادر خان که بعد از فتح کابل و اعلام سلطنت موصوف بتاریخ 24 میزان 1308 ش (16 اکتوبر 1929م) دائر شد. در این ارتباط باید تذکر داد که این جرگه کمتر ماهیت لویه جرگه به منظور فرا خواندن نمایندگان را داشت، بلکه تجمع اشخاصی معدودی بود که اکثر برای عرض تبریکی آمده بودند و دفعتاً موضوع درخواست قبول سلطنت از طرف یکی از همراهان سپهسالار مطرح گردید و در ظرف چند دقیقه منتج به قبول پیشنهاد از طرف سپهسالار شد و به این شکل ایشان به پادشاهی رسیدند.
- 5 - بعد از سقوط رژیم کمونیستی خلقی و پرچمی و انتقال قدرت به تنظیمهای جهادی، وقتی مدت کار دو ماهه حضرت صبغت الله مجددی به پایان رسید و دوره چهار ماهه برهان الدین ربانی آغاز گردید، موصوف مدت کار خود را پس از چهار ماه برای دوماه دیگر تمدید کرد و زیر فشار چند جانبه مجبور شد تا مجلسی را که در حقیقت ممثل لویه جرگه محسوب میگردد، زیر نام "شورای اهل حل و عقد" بتاریخ 28 قوس 1371 (19 دسمبر 1992) به اشتراک اکثر طرفداران خود در کابل دائر کند و بدانوسیله توانست خود را به حیث رئیس جمهور به قدرت نگهدارد.
- 6 - پس از آنکه طالبان در قسمت اعظم مملکت چیره شدند و حکومت برهان الدین ربانی در شمال متواری گردید، طالبان یک شورای بزرگ را در قندهار به اشتراک تقریباً یک هزار علمای دینی و طالبان جوان که همه از قشر خود شان بودند، دائر کردند که در نتیجه نام "دولت اسلامی افغانستان" را به "امارت اسلامی افغانستان" مبدل نمودند و ملا محمد عمر آخوند رهبر خود را ملقب به "امیر المؤمنین" ساختند.
- 7 - پس از سقوط طالبان در اثر حملات قوای امریکائی و متحدین آن، خلای قدرت در کشور به وجود آمد. به اثر توصیه شورای امنیت ملل متحد و زیر نظر نماینده خاص آن موسسه در امور افغانستان آقای لخر ابراهیمی و با نقش فعال بعضی کشورهای اروپائی و امریکا کنفرانسی در شهر بن - جرمنی به اشتراک نمایندگان چهار گروپ سیاسی افغان از تاریخ 21 عقرب 1380 ش (21 نوامبر 2001م) تا

د پانوی شمیره: له 3 تر 10

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

14 قوس (5 دسمبر) دائر شد و در نتیجه بتاريخ 30 قوس 1380 ش (22 دسمبر 2001م) حامد کرزی را به حیث رئیس حکومت مؤقت برای شش ماه تعیین کرد. چهار گروپ مذکور عبارت بودند از: جبهه شمال (12 نماینده)، جناح "روم" (6 نماینده)، گروپ مسما به "قبرس" (3 نماینده) و گروپ مسما به "جبهه صلح" - منسوب به پیر گیلانی (3 نماینده) که جمعاً 24 نماینده دارنده حق رأی و اما اگر بعضی نمایندگان غیررسمی و تعدادی از مشاوران به آن علاوه شوند، تعداد مجموعی به 37 نفر میرسد.

دو - تدویر لویه جرگه ها به هدف خاص و مشخص:

لویه جرگه هائیکه با موجودیت دولت و درحالت صلح و ثبات به مقصد ایجاد نظم، اداره بهتر امورکشور، اعلام جنگ و صلح، تصویب قوانین - بخصوص قانون اساسی و سائر حالات، نمایندگان مردم چه انتخابی و یا انتصابی فرا خوانده شده و نظر آنها در زمینه مشخص مطالبه گردیده و برطبق آن دولت اجراء کرده است. در طول تاریخ این نوع لویه جرگه ها به دو شکل و دو هدف متفاوت دائر گردیده اند: یکی بشکل "موقوته" یعنی بطور متناوب در فاصله هر چند سال و دیگر به شکل "غیرموقوته" یا "عندالاقضاء" محض برای تصمیم گیری در موارد مشخص و خاص.

الف - لویه جرگه های "غیر موقوته" یا "عند الاقضاء":

از جمله لویه جرگه های "غیرموقوته" یا "عند الاقضاء" که اعضای آن بطور عنعنوی و یا برطبق تعریف مندرج قانون اساسی قسماً انتخاب و یا انتصاب شده اند، میتوان شاهد مثالهای از این نوع لویه جرگه ها از زمان امیر شیرعلی خان تا امروز بود:

1 - جرگه بزرگ برای تائید ولیعهدی سردار عبدالله خان پسر خوردهسال امیرشیرعلی خان در سال 1290ق - مطابق 1252ش (1873م) به اشتراک بیش از هزار نفر در تپه مرنجان شهرکابل.

2 - تدویر شورای بزرگ متشکل از 540 نفر در عصر امیر حبیب الله خان سراج الملت جهت مشوره درباره موقف افغانستان در جنگ عمومی اول جهانی منعقد شهرکابل در سال 1333ق - مطابق 1293ش (1915م).

3 - لویه جرگه 18 سنبله 1309 ش (اگست 1930م) که بوسیله اعلیحضرت محمد نادرشاه به مقصد تحکیم سلطنت خودش و دادن شکل قانونی به آن به اشتراک 301 نفر نمایندگان در قصر "استور" وزارت خارجه تحت ریاست سردار محمدهاشم خان صدراعظم در کابل دائر شد. در این لویه جرگه شاه جدید محمد نادرشاه خواست چند مطلب را مطرح سازد: تصویب قانون اساسی جدید در آن سال که تا سال 1343ش نافذ بود، شرحی درباره چگونگی اعدام گروپ سقاوی، استفاده از کمک های انگلیس و طرح مکتوب اعلیحضرت امان الله شاه (پادشاه سابق) و تصویب مصادره تمام جایداد های او و تعلق آن به دولت.

4 - لویه جرگه سال 1320 ش (1941م) در عصر سلطنت اعلیحضرت محمد ظاهر شاه در کابل به مقصد تصمیم گیری درباره سرنوشت یک عده آلمانی هائیکه در افغانستان مصروف خدمت بودند و تصمیم بر آن شد که آنها به دشمن تسلیم داده نشوند، بلکه بطور مطمئن به آلمان اعزام گردند.

5 - بتاريخ 29 عقرب 1334ش (20 نوامبر 1955م) در دروه صدارت محمد داؤد خان بعد از برهم خوردن روابط با پاکستان در موضوع پشتونستان و لزوم خریداری اسلحه برای اردوی کشور از

هرکشوری که میسر شود، لویه جرگه تحت ریاست محمدگل خان مومند برگزار شد و بر دو موضوع فوق که از طرف حکومت مطرح گردیده بود، مهر تائید گذاشت.

6 - لویه جرگه 1343 ش (1964م) که در قصر سلام خانه ارگ کابل به اشتراک 452 نماینده به مقصد تصویب قانون اساسی جدید کشور دائر گردید و این قانون اساسی تا سقوط سلطنت (کودتای 26 سرطان 1352 ش) نافذ بود. اعضای این لویه جرگه برطبق قانون اساسی جدید مشخص گردیده و مشتمل بر اعضای مجلسین شورا، کابینه، ستره محکمه، اعضای کمیته های تسوید و تدقیق قانون اساسی، چند نماینده از طبقه انات و تعدادی 176 نفر نمایندگان انتخابی مردم بودند. لذا این لویه جرگه از نظر ترکیب اعضا مقید به قانون اساسی بوده و با این مشخصه از لویه جرگه های عنعنوی تفکیک میگردد.

7 - لویه جرگه 10 دلو 1355 ش (فبروری 1977م) جمهوری محمد داؤد خان جهت تصویب قانون اساسی جمهوری منعقد شده سالون بزرگ "صحت عامه" در شهر کابل که به تعداد 347 نفر اعضای انتخابی و انتصابی در آن اشتراک داشتند و اعضای آن مثل قانون اساسی 1343 مقید به قانون اساسی بود - یعنی مرکب از نمایندگان انتخابی و انتصابی به شمول اعضای کابینه، کمیته مرکزی، اعضای شورای عالی قضاء و اعضای کمیته های تسوید و تدقیق قانون اساسی.

8 - درجوزای سال 1360 ش (جون 1981م) بعد از کودتای ثور و تهاجم شوروی در دوره ببرک کارمل لویه جرگه نام نهاد زیر نام "کنگره مؤسس جبهه ملی پدروطن" به اشتراک 940 نفر نمایندگان حزب دموکراتیک خلق، سازمانهای اجتماعی و اقوام و قبایل و غیره در سلام خانه ارگ دائر شد.

9 - لویه جرگه 3 ثور 1364 ش (اپریل 1985م) که در دوره حزب دموکراتیک خلق و تحت تسلط قوای شوروی بازهم در زمان ببرک در پولیتخنیک کابل برگزار شد و در آن به ادعای رژیم 1769 نفر و اما برطبق اظهارات نماینده حقوق بشر ملل متحد 472 نفر اشتراک داشتند. هدف آن بیشتر تاکید بر گسترش دوستی با شوروی و تأمین صلح و امنیت بود.

10 - جرگه نام نهاد دیگر بنام لویه جرگه در دوره داکتر نجیب در ماه قوس 1366 ش (1987م) در کابل دائر گردید و قانون اساسی جدید رژیم را به تصویب رسانید که در آن از تغییر نام حزب بنام "وطن"، تغییر رنگ بیرق، تاکید بر ارزش های دین مقدس اسلام، برنامه آشتی ملی و غیره یاد اوری گردیده که این تحول به نظر مردم یک اقدام ظاهری و بیشتریک بازی سیاسی بود.

11 - پس از سقوط طالبان در اثر اجلاس بن مورخ 30 قوس 1380 ش (22 دسمبر 2001م) حامد کرزی در راس حکومت مؤقت برای شش ماه قرار گرفت و این حکومت وظیفه داشت تا درختم دوره شش ماهه لویه جرگه "اضطراری" را برای تشکیل یک حکومت انتقالی بتاریخ 21 جوزای 1381 (10 جون 2002م) برگزار کند. این لویه جرگه با اشتراک جمعاً 1501 نفر در زیر خیمه مخصوص در ساحه پولیتخنیک کابل بتاریخ موعود دائر و حامد کرزی را به حیث رئیس حکومت انتقالی برای مدت دو سال انتخاب کرد. حکومت انتقالی وظیفه داشت تا مسوده قانون اساسی را تهیه و آنرا شش ماه قبل از بسر رسیدن وقت معینه با تدویر یک لویه جرگه به تصویب برساند و زمینه انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی را فراهم سازد تا از آنطریق دوره عادی "حکومت انتخابی" آغاز گردد.

12 - لویه جرگه مسما به "لویه جرگه قانون اساسی" که قرار بود در ماه عقرب 1382 ش (اکتوبر 2003م) دائر شود، به دلالتی به تعویق افتاد و به تاریخ 25 قوس همان سال (14 دسمبر 2003م) با بیانیه افتتاحیه اعلیحضرت محمد ظاهر شاه پادشاه سابق که در این لویه جرگه مفتخر به لقب "بابای ملت"

گردیدند، با اشتراک 500 عضو تحت ریاست حضرت صبغت الله مجددی باز هم در زیر خیمه مخصوص در ساحه پولتخنیک کابل دائر شد و در نتیجه بعد از جنجال های زیاد و بحث در یازده کمیته، مسوده قانون اساسی به اجلاس عمومی رویت داده شد. اجلاس عمومی مسوده را که از جانب کمیته های مذکور بطور کل تائید شده بود، بتاريخ 13 جدی 1382 ش (3 جنوری 2004م) بدون رأی گیری و فقط بوسیله بپا خاستن وکلا تصویب نمود. این آخرین لویه جرگه در کشور است.

ب - لویه جرگه های "موقوته" یا "متناب":

1 - لویه جرگه 1301 ش در جلال آباد:

هنگامیکه اعلیحضرت امان الله خان به سلطنت رسید، اقدام اول او نه تنها اعلام استقلال کامل داخلی و خارجی کشور بود، بلکه گفت که میخواهد کشور را به شاهراه ترقی رساند و همپایه ممالک پیشرفت جهان سازد. در این راستا تبدیل نظام مطلقه شاهی که پادشاه سایه خدا (ج) در روی زمین شناخته می شد، به یک نظام مقدماتی "ملت - دولت" یکی از مهمترین اقداماتی بود که قبل از آن در تاریخ کشور نظیر نداشت. شاه امان الله خواست در امور جاریه کشور با انفاذ "نظامنامه ها" (قوانین)، از یکطرف قانون را جانشین تصامیم شاهان و امراء سازد و از طرف دیگر با تصویب قوانین از طرف نمایندگان ملت به آن مشروعیت بخشیده و نظر مردم را بطور غیرمستقیم در اجراء مهمه حکومت شریک گرداند.

به تاسی از این هدف در زمستان 1301 ش (اوایل سال 1922م) اولین لویه جرگه را به هدف تصویب نظامنامه ها که قبلاً از طرف مجلس وزراء (تا آنوقت وزیر را ناظر امور مربوطه می نامیدند) و شورای دولت تائید شده و بوسیله فرمان شاهی نافذ گردیده بودند، به اشتراک 872 نفر مشتمل بر اعضای حکومت، تعدادی از نمایندگان کابل و ولایت مشرقی در شهر جلال آباد دائر نمود. در این لویه جرگه که اولین قانون اساسی افغانستان زیر نام "نظامنامه اساسی دولت علیه افغانستان" در 73 ماده به تصویب رسید، شاه امان الله غازی گفت که در نظر است همچو مجلس در کابل هر سال یک بار دائر و جمیع مقاولات با کشور های دیگر، نظامنامه ها و بودجه کشور جهت تصویب نهائی به آن رویت داده شود، اما اعضای لویه جرگه آنرا به هر سه سال پیشنهاد کردند که مورد قبول واقع شد. به این اساس لویه جرگه برای اولین بار از حالت معموله غیرموقوته و عند الاقتضائی بیرون شد و شکل "موقوته یا متناب" را به خود گرفت و از نظر ماهیت و وظیفه شباهت بیک نوع "شورای ملی" پیدا کرد. علاوه چون در این لویه جرگه نسبت سرمای زمستان تعداد وکلا محدود به ولایت کابل و مشرقی بود، لازم دانسته شد تا در لویه جرگه بعدی در سال 1303 ش در کابل به شمول نمایندگان همه ولایات کشور بعضی از مصوبات این لویه جرگه در لویه جرگه بعدی بار دیگر مطرح گردند.

2 - لویه جرگه 1303 ش در پغمان - کابل:

دومین لویه جرگه عصر امانی بروز 20 سرطان 1303 ش در پغمان با حضور 1054 نفر با حضور پادشاه و هیئت وزراء دائر شد و تا روز 9 اسد دوام کرد که برای اولین بار رویداد آن بطور مکمل به قید قلم آورده شد و بعد از ختم جرگه به شکل یک کتاب قطور تحت عنوان "رویداد لویه جرگه دارلسلطنه 103" در یک هزار نسخه به شکل سنگی در مطبعه وزارت حربیه چاپ گردید. این کتاب یگانه سند مهم تاریخی از جریان مکمل مباحثات آن جرگه بشمار میرود و هیچگاه قبل و بعد از آن در هیچ دوره دیگر چنین کاری صورت نگرفت. از آنجائیکه اکنون این سند تاریخی نایاب گردیده است، لازم دیده شد تا به باز نشر آن مطابق به اصل اقدام گردد.

3 - لویه جرگه سال 1307 ش در پغمان - کابل:

شاه امان الله غازی به اساس تصویب مجلس وزراء و دعوت بعضی کشورها تصمیم گرفت با ملکه برای اولین بار به خارج کشور سفر کند و از دوازده کشور آسیائی و اروپائی رسماً دیدار نماید. این سفر که بتاريخ 7 قوس 1307 ش (29 نوامبر 1927 م) آغاز و هشت ماه و چند روز را در بر گرفت، بتاريخ 10 سرطان 1308 ش (اول جولای 1928 م) پایان یافت و با دست آوردهای مختلف همراه بود. طول مدت سفر پادشاه موجب شد تا لویه جرگه بجای سه سال پس از انقضای چهار سال دائر شود، لهذا جرگه بتاريخ 5 سنبله 1307 ش (29 آگست 1928 م) به اشتراک 1100 نفر در پغمان برگزار شد و بروز 9 سنبله (2 سپتمبر) به پایان رسید و به تعداد 14 نظامنامه جدید را پس از غور و تعدیلات لازم به تصویب رسانید. متأسفانه رویداد این لویه جرگه آخر عصرامانی نسبت حوادث بعدی بطور مکمل به نشر نرسید و فقط جریان مختصر آن در بعضی مآخذ تذکار یافته است.



محل برگزاری لویه جرگه های 1303 و 1307 در پغمان

لازم به تذکر است که در این موقع مخالفان به حمایت و هدایت انگلیسها و با استفاده از غیبت شاه دست به تحریکات جدی علیه نظام زده و اوضاع را نا آرام ساخته بودند. شاه کوشید طی این لویه جرگه از یکطرف دست آوردهای سفر خود را به اطلاع نمایندگان برساند و از طرف دیگر سعی کرد تا تحریکات مخالفان را علیه نظام و شخص خود حتی المقدور خنثی سازد. لذا در این لویه جرگه شاه حاضر شد از بعضی اصلاحات که پس از مراجعت از سفر به کشور رویدست گرفته بود، تاحدی برگشت نماید. اما برای اینکار دیر شده بود و اوضاع روبه بحران و وخامت میرفت، تا آنکه در اثر اغتشاش داخلی و عروج حبیب الله کلکانی بتاريخ 28 جدی 1307 ش (17 جنوری 1929 م) کابل بدست قوای سقوی سقوط کرد. شاه امان الله غازی چند روز قبل از سقوط کابل و استعفی از سلطنت به قندهار رفت و با مشاهده خطر

د پانور شمیره: له 7 تر 10

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لوی

تشدید یک جنگ بزرگ داخلی که در آن احتمال خونریزی بسیار و ایجاد درز عمیق بین مردم و شفاق ملی متصور بود، برای جلوگیری از این وضع از اعاده سلطنت منصرف و کشور را ترک نمود.

نظری به محتوای کتاب:

اگرچه عنوان کتاب "رویداد لویه جرگه دارالسلطنه 1303" میتواند به وضاحت محتوای آنرا بیان کند، باز هم لازم می افتد نظر مختصر درباره انداخته شود. با آنکه کتاب از شروع تا ختم موضوعات مورد بحث را زیر عناوین فرعی بیان کرده است، اما مباحث آنرا میتوان بطور عموم به چهار بخش تقسیم کرد:

بخش اول - امورمقدماتی: شامل تمهید، تسوید اعلان لویه جرگه، گزارشات نماز عید اضحی به امامت شخص اعلیحضرت، نطق افتتاحیه پادشاه و دعائیه هیئت لویه جرگه که تا این قسمت مراسم در قصر سلام خانه ارگ در کابل برگزار گردید. بروز دوشنبه 22 سرطان همه به پغمان رفتند و از شروع تا ختم لویه جرگه در آنجا ادامه یافت که در دو روز اول ملاقاتهای تعارفی هیئت با پادشاه و بروز جمعه پس از ادای نماز جمعه، لایحه نظمیه مجلس که مشتمل بر نظام مباحثه، چگونگی رأی گیری، قواعد و ضوابط مجلس و غیره مطرح شد، زیرا بسیاری از اعضای لویه جرگه تا آنوقت در چنین مجالس اشتراک نکرده و از صورت بحث آگاهی نداشتند. سپس هیئت را با محل نشستن هریک در داخل سالون و نیز جایگاه پادشاه، محل رئیس مجلس و اعضای کابینه و شورای دولت که همه قبلاً تثبیت شده بودند، آشنا ساختند.

بخش دوم - مباحثات بالترتیب اجندا: بروز شنبه 28 سرطان اجلاس لویه جرگه با نطق اعلیحضرت رسماً آغاز گردید. سپس رئیس شورای دولت (شیر احمدخان) که ریاست جرگه را نیز بعهده داشت، اجندا را به دو قسمت ارائه کرد: قسمت امور خارجی و قسمت امور داخلی.

در قسمت امور خارجی عهد نامه ها و معاهدات جدید دولت افغانستان را که با کشورهای متحابه به امضا رسیده بود، هریک بطور جداگانه مورد بحث قرار گرفت: "عهد نامه افغانیه با روسیه"، "معاهده ایتالیا و افغان"، "عهدنامه افغانیه با انگلیس"، "معاهده افغانیه با ترکیه" که در موضوع خلافت با جر و بحث های طولانی همراه بود و ادامه موضوع به اجلاس بعدی روز یکشنبه 29 سرطان موکول گردید. روز بعد "معاهده ایران با افغانستان"، "معاهده افغانی و فرانسوی"، "معاهده افغانستان با آلمان"، "معاهده افغانستان با بلجیک" و در اخیر روی موضوع خواهش "قیام مناسبات افغان و جاپان" مطرح بحث شد که در پایان معاهدات مذکور از طرف لویه جرگه تأیید گردید.

در قسمت امور داخلی بحث روی چندین نظامنامه متمرکز شد که هریک بطور جداگانه با مناقشات و ابراز نظرهای جدی توأم بود. نخست "نظامنامه اساسی" مطرح گردید، با آنکه این نظامنامه در لویه جرگه 1301 جلال آباد به تصویب رسیده بود، اما در موارد مختلف بعضی از اعضای لویه جرگه خواهان تعدیل برخی از مواد آن بودند که ادامه بحث ها برای روز مابعد موکول گردید. همچنان پس از قرائت "نظامنامه نکاح، عروسی و ختنه سوری" بحث ها بر موضوع تعدد زوجات و نکاح صغیره اوج گرفت و تعدیلات قسمی در آن وارد شد. به همین ترتیب در روزهای سه شنبه، چهارشنبه و پنجشنبه بحث ها بر "نظامنامه محصول مال مواشی"، "نظامنامه للمی و مالیه"، "نظامنامه نفوس" که مشتمل بر اخذ عسکر، تعلیمات عسکر، معضله "عوضی" و غیره بود که مورد بحث های طویل قرار گرفت و

در اخیر "نظامنامه محصول گمرکی" مطرح گردید و با این ترتیب قسمت مباحثات روی اجندا در امور داخلی بعد از ظهر روز پنجشنبه با پایان لویه جرگه همراه بود. در پایان مجلس اعلام گردید که روز جمعه تعطیل و استراحت برای همه و اما امضای تصاویر از طرف وکلا به روز دوشنبه 6 اسد صورت میگیرد.

بخش سوم - اخذ تصاویر: اگر چه اعلیحضرت در طول جلسات همیشه حاضر مجلس بوده و فعالانه در مباحثات اشتراک داشتند، اما روز شنبه 4 اسد اختصاص داده شد تا گزارشات چند روز لویه جرگه از طرف شورای دولت به حضور اعلیحضرت بطور رسمی ارائه شود. روز یکشنبه 5 اسد تمام اعضای لویه جرگه برای استماع تصاویر و تعدیلات وارده جمع کردند و گزارش مربوطه را شنیدند. روز بعد (6 اسد) خلاصه مباحثات و تعدیلات در 18 مورد هریک زیر عنوان جداگانه به اعضا ارائه شد و تصاویر از طرف آنها امضا گردید. در پایان محفل برای هریک نمایندگان یک ورق "اعلان لویه جرگه" داده شد تا حین برگشت به محلات شان آنرا به اطلاع مردم محلات خویش برسانند و نیز وکلای لویه جرگه پیشنهاد اعلیحضرت را مبنی بر تدویر همچو جرگه در هر سال به دلیل مشکلات به هر سه سال تبدیل کردند. روز سه شنبه پایان کار رسمی لویه جرگه بود که با بیانیه وداعیه اعلیحضرت آغاز و با معروضه امتنانیه اعضا پایان یافت و اعضا روز بعد از پغمان به کابل آمده و هریک واپس به محلات خود تشریف بردند.

بخش چهارم - است اسامی اشتراک کنندگان لویه جرگه: این است طویل در ختم کتاب گنجانیده شده و نام هریک از اعضا اعم از مامورین دولت با ذکر مقامهای شان و نمایندگان هر محل با ذکر محلات شان از همه ولایات کشور درج گردیده و با این ترتیب کتاب در صفحه 453 به پایان رسیده است.

چرا پس از گذشت 90 سال در صدد باز نشر این کتاب هستیم؟

یقین دارم که هر خواننده وقتی این کتاب را تا پایان به دقت بخواند، آنوقت نه تنها خود به این سؤال جواب خواهد گفت و لزوم نشر مجدد آنرا تأیید خواهد کرد، بلکه جزء کسانی قرار خواهد گرفت که مطالعه آنرا به دیگران اکیداً توصیه خواهد نمود. این کتاب خصوصیات بارزی را بیان میکند که در عصر و زمان آن در بسیاری کشورهای جهان هنوز شاهان و امیران بطور مطلقه حکمرانی میکردند و به رأی و نظر مردم توجه نداشتند. حتی در ممالک پیشرفته آن عصر در اروپا و امریکا مباحثات روی مسائل در پارلمانها بسیار معمول بود، ولی هیچگاه رئیس جمهور و یا شاه آنها شخصاً برای دفاع از پالیسیها و تحولات وارده برای چندین روز متواتر در یک مجلس بزرگ از صبح تا عصر اشتراک نکرده و از برنامه های خود با دلایل منطقی مجدانه دفاع نکرده است. در آن کشورها این وظیفه به احزاب و نمایندگان سپرده شده است، اما در افغانستان 90 سال قبل که اکثر کشورهای همسایه و مسلمان زیر یوغ استعمار گردن نهاده بودند، این وضع بیانگر یک انقلاب بزرگ اجتماعی و سیاسی بود که در راس آن شخصیتی قرار داشت که فاقد تحصیلات عالی و اما بالاتر از یک عالم دینی و اجتماعی صاحب دانش و احساس نیک در برابر وطن و مردم خود بود.

افسوس که دست های نابکار انگلیس از آستین خود ما دراز گردید و این تحول شگرف را در آن عصر با مشکلات عدیده مواجه ساخت که عاقبت الامر به سقوط گرائید. در این کتاب خواننده به سهولت و وضاحت متوجه یک تناقض جدی بین هوادارن پیشرفت و رهبران محافظه کار و عنعنه گرای جامعه

د پانو شمیره: له 9 تر 10

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

افغانی میشود که چگونه زیر چتر لویه جرگه باهم روبرو شدند و چگونه از دین به حیث وسیله قدرتمندی اجتماعی و حیثیت شخصی خود استفاده کردند و در نهایت تدریجاً در طول چند سال به تخریب نظام واغوی مردم عادی و فاقد سواد لازم پرداختند.

این کتاب را بخوانید و قضاوت کنید که چگونه کشور با موجودیت یک تعداد عناصر محافظه کار از مسیر حرکت ارتقائی باز ماند و با سقوط آن دوره پربار و تاریخی، کشور برای سالهای طولانی بجای تحرک و پیشرفت، به عقب و رکود برگشتانده شد. امروز اغلب دردها و مصیبت های کشور ما هنوز که هنوز است، از همان ریشه آب میخورند. کشمکش ها بین چپ افراطی - رژیم خلقی و پرچی از یک طرف و راست افراطی - رژیم های تنظیمی و طالبانی و امروز نفوذ داعشی ها از طرف دیگر راه وسط را که راه اصلی اسلام واقعی است، از ما ربوده و کشور را به جهنم سوزان جنگ، قتل و قتل، فساد و بی ثباتی کشانده است.

میگویند که سخن از گذشته چه میگوئی، به آینده بنگر! اما نگاهی به گذشته برای چشمان پر بصیرت میتواند ما را به اشتباهاتی ملتفت سازد که از تکرار آن باید اجتناب کرد. محتوای این کتاب یکی از این نوع پندنامه های تاریخی است که باید از آن بیاموزیم و اشتباهات گذشته را تکرار نکنیم و از زعمی که همه دار و ندار خود را و حتی مقام سلطنت خود را در راه اعتلا و پیشرفت کشور، برای تأمین عدالت، حفظ وحدت ملی، بیزاری از جنگ و کشتار برادر توسط برادر و بالاخره رفاه مردم قربان کرد، قدردانی کنیم و راه او را پیش گیریم. این شما و این متن کتاب. در پایان این مقدمه برخورد واجب میدانم تا بار دیگر از محترمان هر یک جناب محمد ایاز نوری (آزادی) و جناب نازک میر زهیر که با وجود مصروفیت های یومیه، در تایپ این کتاب قطور متحمل زحمت شده اند، ابراز امتنان و سپاس نمایم و ایشان را در اهتمام نشر این کتاب شریک بدانم. با احترام

داکتر سید عبدالله کاظم
سن هوزه - کالیفورنیا
مورخ 9 اگست 2016

(با این مقدمه نشر کتاب به سلسله در این پورتال وزین ادامه می یابد.)